

## مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط زیست

حمید فغفور مغربی<sup>۱</sup>

### چکیده

در جهان کنونی بشر متوجه عواقب زیانبار بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و پیدایش انواع آلاینده‌ها در محیط زیست خود شده است. بحران محیط زیست که در حال حاضر گریبانگیر اکثر کشورهاست، از بحران روحی و معنوی سرچشمه گرفته است. دین اسلام از طبیعت و جهان محیط بر انسان و خود انسان، تعریف ویژه خود را دارد. پدیده‌های طبیعی آیات الهی هستند و در رابطه با خداوند دارای معنی و هدف می‌باشد و علاوه بر منشأ الهی، آینه صفات خداست که می‌تواند از طریق اصلاح نگرش معرفتی و رفتار اخلاقی و تربیتی بشر راهگشای حل معضلات زیست‌محیطی امروز باشد. بررسی مبانی معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، تبیین معنی‌داری و هدف‌داری جهان آفرینش، همچنین توجه به خود انسان و ایجاد مسئولیت در او نسبت به اعتقادات و ارزش‌ها از جمله نقاط قوت دیدگاه اسلام و بعضاً سایر ادیان در استفاده از منابع موجود در طبیعت است.

### واژگان کلیدی

معرفت‌شناسی، اخلاق زیست‌محیطی، دین (اسلام)

۱. عضو هیأت علمی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه. (نویسنده مسؤول)

### مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط زیست

در دورانی که ما زندگی می‌کنیم، جامعه بشری دچار بحران زیست محیطی شده است. در حالی که دانشمندان پیوسته در حال بررسی ریشه‌ها، علل، عوامل و راه‌حل‌های این بحران هستند، بحرانی که اصل حیات را بر روی زمین تهدید می‌کند.

زمین گرفتار مشکلات بزرگی از نابودی منابع حیاتی تا آلودگی بیش از اندازه و ضایعات سمی گسترده شده است. پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش جمعیت به آن دامن زده است. در جهان کنونی بشر متوجه عواقب زیان‌بار بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و پیدایش انواع آلاینده‌ها در محیط زیست خود شده است.

«بنا به آمارهای سازمان ملل، حدود ۹۸٪ دی اکسید کربن و سایر گازهای مضر جو مربوط به کشورهای صنعتی و فقط ۲٪ سهم کشورهای جهان سوم می‌باشد. در این راستا، در کمتر از ۲ قرن با مصرف سوخت‌های فسیلی و نابود شدن جنگل‌ها، مقدار کل دی اکسید کربن در اتمسفر به میزان ۲۵٪ بالا رفته است» (متین، نشریه پژوهش و سازندگی، جهاد سازندگی ش ۱۳).

نگاه فراتر به سایر مؤلفه‌های زیست محیطی در جهان، وضعیت مخاطره‌آمیزی را نشان می‌دهد.

«در بعضی از نقاط جهان جنگل‌زدایی با سرعت سرسام‌آوری در جریان است. سالانه ۱۷ میلیون هکتار، منطقه‌ای به وسعت دو برابر کشور اتریش، از وسعت جنگل‌های کره زمین کاسته می‌شود. بدین ترتیب، ریه‌های زمین در حال چروکیدن و تحلیل رفتن است» (همان).

کارخانجات تولیدات صنعتی قسمت عمده زباله‌های شیمیایی مضر جهان را به وجود می‌آورند. حضور سران و مقامات بلندپایه ۱۸۱ کشور جهان در

بزرگ‌ترین گردهمایی سازمان ملل متحد با نام کنفرانس محیط زیست و توسعه، معروف به کنفرانس سران زمین (ریودوژانیرو) در سال ۱۹۹۲م، بیانگر عمق فاجعه تخریب محیط زیست است؛ فاجعه‌ای که چهره مصیبت‌بارش هر روز بیشتر آشکار می‌شود و ابعاد دلهره آن، جهان را دربر می‌گیرد (نوروزی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۴ و ۲۵). امیدوارکننده‌ترین چیزی که درباره‌ی وضعیت اسفناک محیط زیست دنیای معاصر، یعنی دنیایی که مواجه با بن بست شده است، می‌توان گفت این است: مردم سراسر دنیا خود به این حقیقت پی برده‌اند که فعالیت انسان می‌تواند سیاره زمین را نابود کند. خطراتی مثل گرم شدن کره زمین، تخریب لایه ازن و بیابانی شدن زمین‌های مزروعی، که در گذشته‌ای نه چندان دور اغراق‌آمیز یا کم‌اهمیت می‌نمود، اکنون نه تنها واقعی بلکه بسیار مهم و وحشتناک به نظر می‌رسند.

«به هر حال، امروزه سیاستمداران غرب هم ملزم به رعایت مسائل محیط زیست هستند. لاقلاً از این به بعد ناگزیر هستند این امر را رعایت کنند؛ چون افکار عمومی غرب احساس خطر کرده است و توده‌های میلیونی مردم در این امر دخالت می‌کنند. تقریباً در تمامی کشورهای توسعه یافته، احزاب طرفدار محیط زیست و اکولوژیست‌ها قدرت یافته‌اند و مردم احساس خطر می‌کنند و در حقیقت این مردم هستند که برای حفظ طبیعت و سلامت خود و محیطشان، سرمایه‌داران و سیاست‌مداران را ملزم به رعایت مسائل زیست‌محیطی می‌نمایند» (پاپلی یزدی، ۱۳۷۴ش، ص ۳۶).

آلودگی و نابودی محیط زیست، مثل آتشی است که هیزم تر و خشک و گناهکار و غیرگناهکار را با هم می‌سوزاند؛ بنابراین لازم است تمامی ساکنان کره زمین برای توسعه پایدار و جلوگیری از تخریب محیط زیست و آلودگی، مشارکت کنند.

بخش اول: بحران محیط زیست و ضرورت بازشناسی مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی آن

در این بخش ابتدا به تعریف محیط زیست اشاره نموده و بحران زیست‌محیطی را تحلیل می‌نماییم و سپس ضرورت بازشناسی مبانی معرفت‌شناسی دینی آن می‌پردازیم.

### ۱. مفهوم محیط زیست و انواع آن

محیط زیست عبارت است از همه‌ی چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آنها تأثیر می‌گذاریم و آنها نیز ما را متأثر می‌سازند (بخکشی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵).  
انواع محیط زیست عبارتند از:

#### الف) محیط طبیعی:

همه عوامل طبیعی که در اطراف ما وجود دارد، ولی به وسیله انسان ایجاد نشده، اما مورد استفاده‌اش قرار می‌گیرد، محیط زیست طبیعی است، مانند: آب، هوا، خاک، گیاهان، جانوران و خلاصه تمامی سطح زمین و جو اطراف آن.

#### ب) محیط مصنوعی:

همه چیزهایی که به وسیله انسان به وجود آمده است مانند: مناطق مسکونی، صنعتی، راه‌ها و غیره.

#### ج) محیط اجتماعی - انسانی:

محیطی که یک قوم یا ملت، با فرهنگ خاص خود در کنار هم زندگی کرده و با تأثیرات متقابل بر روی یکدیگر، محیط اجتماعی را به وجود می‌آورند.

امروزه با توسعه فناوری و امکانات آسان رفت و آمد، دیگر مسأله یک قوم مطرح نیست؛ چرا که: در بسیاری موارد مشاهده می‌شود در یک واحد مسکونی (شهر) اقوام گوناگونی در کنار یکدیگر زندگی کرده و محیط زیست اجتماعی مختلطی را به وجود می‌آورند (همان، ص ۱۶).

## ۲. بحران محیط زیست

بحران محیط زیست طبیعی، یکی از مشکلات اساسی و دغدغه خاطر بشریت امروز را تشکیل می‌دهد. مواجهه خشن و بی‌رحمانه با طبیعت در قرون اخیر ناشی از انگیزه توسعه‌طلبی، بهره‌وری بی‌رویه از منابع اولیه، آلوده شدن دریاها در اثر پدیده تلخ نشت نفت، سوختن جنگل‌ها، گرم شدن آب و هوای کره زمین و یا نازک شدن لایه ازن، سرانجام او را از خواب غفلت بیدار کرده است.

نسل پرندگان و حیوانات در اثر شکار لذت‌جویانه و مصرف بی‌رویه، رو به زوال رفته، انقراض محیط زیست و درختان جنگلی و صید بیش از اندازه ماهیان دریاها، هشدار جدی به بشریت است.

قرآن راز حقیقت آن را آشکار نموده است و می‌فرماید: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسب ایدی الناس» (روم/ ۴۱) فساد در خشکی و دریا در اثر عملکرد انسان‌ها ظاهر گشت هاست.

به‌ویژه واژه «ید»، که سمبل قدرت است، انسان بر اثر کسب قدرت به ویران کردن محیط زیست و فساد در خشکی و دریا رسیده است. قدرتی که از علم و تکنولوژی به دست آمده است.

امروز، نه تنها متخصصان امور زیست محیطی به وخامت اوضاع و شرایط آگاه شده‌اند، که نوعی عکس‌العمل همگانی و اعتراضات مردمی از همه مناطق مسکونی کره زمین برخاسته شده است و این پیامی امیدبخش است.

قرآن مجید نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد، نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت و ابهت، خدای خویش بداند و در مقابل آن به سجده بیفتد و نه آن را موجودی فاقد هرگونه قداست و معنا و روح پندارد. مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی می‌کند و انسان را به جای پرستش آن‌ها به پرستش خالق آن‌ها متوجه می‌سازد:

«و من آیاته الیل و النهار و الشمس و القمر، لا تسجدوا للشمس و القمر و اسجدوا لله الذی خلقهن» (فصلت / ۳۷).

از نشانه‌های خداوند شب و روز و خورشید و ماه است، آن‌ها را سجده نکنید، خدایی که آن‌ها را آفریده است، پرستید و سجده کنید.

طبیعتی که انسان از آن به‌وجود آمده و مهد پرورش او بوده است، در برابر او و مورد تصرف او قرار گرفته است؛ معنای چنین نگاه و برداشت آن است که چون طبیعت در برابر انسان است، پس او حق دارد هرگونه که می‌خواهد در آن تصرف کند. انسان مقهور طبیعت در سایه‌ی دانش و فناوری جدید بر آن چیره شده است، اما بحران‌های جدیدی سر برآورده است.

رفتار انسان و جامعه نسبت به طبیعت برآمده از باورهای دینی و موازین فرهنگی است؛ لذا در چشم‌انداز جدیدی که انسان امروز به معنویت، اخلاق و دین دارد، می‌توان برای کاهش بحران محیط زیست، که مسأله‌ای جهانی است، از ادراک و التزام دینی و معنوی انسان بیشتر و بهتر بهره‌مند شد.

در تعبیر اسلامی انسان از زمین برمی‌آید، به زمین برمی‌گردد و از زمین دوباره برمی‌خیزد. خاستگاه و مادر انسان، زمین است و زمین گهواره‌ی انسان یعنی جایگاه امن و آرام رشد اوست.

انسان پیوندی زنده با هستی دارد، از آن باید بهره بگیرد، بی آنکه خود را محور و مدار مطلق عالم بداند. دخالت انسان در طبیعت تصرف انسان فرادست در جهان فرودست نیست. تلقی قدرت نامحدود و عاری از اخلاق و معنویت به بحران محیط زیست منتهی می‌شود.

### ۳. ریشه‌ها، عوامل و دلایل بحران زیست محیطی

از نظر بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بحران زیست محیطی تنها حاصل برخی عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست؛ این بحران یک بحران اخلاقی و معنوی نیز هست که برای پرداختن بدان نیازمند بازخوانی درک فلسفی و دینی از انسان به‌عنوان یک مخلوق طبیعی که در زمین حیات یافته و به آن وابسته‌ایم. «لین وایت» در سال ۱۹۷۶م. در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران‌های اکولوژیک ما» چنین اظهار نظر کرد: «اسلام نسبت به محیط زیست بر تقدس عالم طبیعت که آفریده خدای ابراهیم است و یهودیان و مسیحیان، همه در مقابل او سجده می‌کنند، استوار می‌باشد. بنابراین، اسلام یادآور چیزی است که غرب آن را به برکت ادیان ابراهیمی که اسلام نیز در این خانواده است، داشته و امروز از دست داده است» (شکوهی، ۱۳۷۲ش، ش ۳۰). در این مقاله ایشان به تحلیل علل تخریب محیط زیست پرداخته است و دلیل آن را در از دست رفتن بینش مسیحی و یهودی نسبت به انسان دانسته است؛ در حالی که از ظهور مدرنیسم و بینش اومانیستی و پیدایش علوم سکولار - که ارتباطی با ادیان ندارد - غفلت نموده است.

به علاوه تا پیش از دوران مدرن، حتی اگر ادیان حضور فعال در حفظ محیط زیست نداشته باشند، ولی کارنامه آن‌ها عملکرد منفی در برابر مسأله محیط زیست نداشته است.

ریشه این بحران در دوران مدرنیسم و نگاه انسان مدرن به محیط زیست می‌باشد. این دوران سه ویژگی مهم دارد: یکی، پیدایش علوم تجربی که عرصه شناخت انسان را بسیار گسترده‌تر نموده است. دوم، فناوری که قدرت او را فوق‌العاده بیشتر نموده است. سوم، رشد تزیادی جمعیت یا انفجار جمعیت بشر که دارای روحیه لذت‌جویی و رفاه‌طلبی هم هست.

علم و فناوری یک توانایی است و هر توانایی که انسان پیدا می‌کند، اگر از قبل زمینه ایجاد آن را درخود و ظرف وجودی خود پدید نیاورد، این قدرت باعث ویرانی او می‌شود. این مهم بدون بازنگری در مبانی معرفت‌شناسی ممکن نیست.

بنیادی‌ترین مقوله مرتبط با انسان همیشه و همه جا، قلمرو معنوی حیات انسان است. به این ترتیب همه نمودها و تظاهرات زندگی بشر برخاسته از ارزش‌ها و تفکر معنوی اوست. در نتیجه می‌توان گفت که: بحران جاری محیط زیست در جهان، که حیات بشریت را تهدید می‌کند، پدیده‌ای مادی نیست؛ بلکه تجلی بیرونی و کالبدی و عینی بحران معنوی است که انسان معاصر به آن مبتلا شده است. (نصر، ۱۳۷۷-۸، ش ۱ و ۲) در واقع جهان معاصر با بحران زیست‌محیطی مواجه است؛ بحرانی که نتیجه و آثار بلاواسطه بحران معنوی است که انسان مدرن را دربر گرفته است.

منشأ اصلی بحران فراگیری که حیات همه جوامع را تهدید می‌کند، نگاه ابزاری به طبیعتی است که خود منشأ حیات است. این تفکر که با تصرف آزمندانه در طبیعت، پیشرفت و سعادت به دست می‌آید، چشم‌اندازهایی تیره برای آینده بشر دارد.

بحران محیط زیست که در حال حاضر گریبانگیر اکثر کشورهاست، از بحران روحی و اخلاقی سرچشمه گرفته است. دین اسلام از طبیعت و جهان محیط بر



انسان و خود انسان، تعریف ویژه خود را دارد که می‌تواند از طریق اصلاح نگرش معرفتی و رفتار اخلاقی و تربیتی بشر، راهگشای حل معضلات زیست‌محیطی امروز باشد.

بررسی مبانی معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، تبیین معنی‌داری، همدفداری جهان آفرینش، هم‌چنین ایجاد مسئولیت در او نسبت به اعتقادات و ارزش‌ها از جمله نقاط قوت دیدگاه اسلام و بعضاً سایر ادیان در استفاده از منابع موجود در طبیعت است.

#### ۴. ضرورت بررسی اصول و مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی محیط زیست

ضرورت تدوین مبانی که نظر بر آرمان‌های اخلاقی الهی داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز دربر گیرد، جدی‌تر از هر زمان دیگر است. در واقع مبانی نظری حفظ محیط زیست از بحث جنبه‌های علمی و عملی حفظ محیط زیست مهم‌تر است.

اگر توجه نماییم، در جهانی زندگی می‌کنیم که موجودات در آن جدای از یکدیگر نیستند و به هم متصلند و اگر بخشی تخریب شود، به تدریج به همه جا سرایت خواهد کرد و در نهایت زندگی بر انسان سخت می‌شود.

چنین مجموعه‌ای از اصول و مبانی نمی‌تواند به‌نحو جامع، فردی یا گروهی تدوین گردد، زیرا نیازمند مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که از منبعی فراسوی طبیعت باشد، یعنی با اتکا به آموزه‌های وحیانی امکان‌پذیر است.

به نظر چاره واقعی بازگشت مجدد به نگرش ادیان است. امروز بشر نسبت به گذشته به مراتب آمادگی بیشتری برای پذیرش آموزه‌های پیامبران و ادیان دارد. یعنی همان اندازه که درک و شعورش بیشتر شده، امکان فهم حقایق دینی را نیز

دریافته و بیشتر می‌پذیرد، به‌ویژه آنکه بشر معاصر نسبت به ناکارآمد بودن نگرش‌های مادی و جداسازی معنویت از محیط طبیعی خود، تجربه دارد. منظور از دین، با مفهومی وسیع و جهانی، شامل تمام افکار، عقاید و جهان‌بینی‌هایی الهی است. همچنین مفهوم واژه اسلام در آموزه‌های اسلامی، تسلیم انسان در برابر قدرتی برتر و ماورای مادی است.

راه حل بحران محیط زیست در گرایش دینی است؛ به دلیل اینکه دین بهترین راه‌حل را ارائه می‌دهد. به بیان دیگر، آنچه مورد نیاز است، یک بافت دینی است که در آن مفهوم رابطه انسان با طبیعت و تسلط او را بر فرآیند استفاده از منابع طبیعی مجدداً باز تعریف نماید. بدین معنا که انسان مانند باغبان، چنان هوشیارانه عمل کند که به جای تباه ساختن، کیفیت محیط زندگی خود را غنی و سرشار سازد.

حفظ محیط زیست بدون استمداد از یک پشتوانه دینی، بی‌اثر و یا کم‌اثر خواهد بود و به همین دلیل باید کوشش نمود تا عوامل مخرب زیست‌محیطی در پرتو ایمان و تقوی رفع شوند. متفکرین و محققان علوم زیست‌محیطی، با همکاری سیاست‌مداران و اقتصاددانان راهی را پیش پای جامعه جهانی قرار داده‌اند که امروزه از آن با نام توسعه پایدار یاد می‌شود و از جانب سازمان ملل به عنوان راهبرد مطلوب نجات طبیعت به شمار می‌آید؛ راهبردی که در کنفرانس سران زمین به عنوان الگوی جهانی مطرح شد. ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام‌گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسؤولیت‌پذیری مشترک برای حفاظت محیط زیست، استفاده کنند.

## بخش دوم - اصول معرفت‌شناسانه اسلامی در محیط زیست

مروری بر تعالیم اسلامی مبین این حقیقت است که اسلام اصولی را برای زندگی و تداوم حیات بشر مطرح کرده است در مباحث محیط زیست، اصول اسلامی در نحوه استفاده از منابع موجود، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین این‌ها مصداق می‌یابد. به عبارت دیگر این اصول کلی (به عنوان جهان‌بینی) راهنمای جامعه اسلامی در تدوین سیاست‌های کلی حاکم بر محیط و جامعه خویش هستند.

آنچه مورد نیاز است، کشف دوباره طبیعت به عنوان یک حقیقت قدسی و تولد مجدد انسان به عنوان قداست آن است. این امر مستلزم مرگ آن ذهنیت از انسان و طبیعت است که منجر به تولد تجددگرایی و تحولات ناشی از آن گردید. این گفته برخلاف تعبیر برخی به معنای «ابداع انسانی جدید» نیست؛ بلکه بر عکس بازگرداندن انسان به اصالت واقعی خویش است، انسانی که حلقه رابط بین خود و حقیقت درون خود است. در عین حال این گفته به معنای ابداع یک نگرش قدسی جدید به طبیعت نیست، زیرا بشر هرگز نمی‌تواند قداست بیافریند، بلکه برعکس تدوین دوباره کیهان‌شناسی‌های سنتی و آرای مربوط به طبیعت است که در طول تاریخ ادیان سنتی گوناگون درخور داشته‌اند. مفهوم این گفته بیش از هر چیز جدی گرفتن ادراک دینی نظام طبیعت به مثابه علمی است که با یک جنبه حیاتی حقیقت کیهانی انطباق دارد و حاصل حدس و گمان ذهنی یا ساخته و پرداخته‌های تاریخی نیست. باید از نو نگرش و تفکری بنیان نهاد تا در پرتو آن بتوان شناخت طبیعت را جدی گرفت و دستاوردهای علوم جدید را در چهارچوب محدود بنیان اعتقادی و فلسفی، معرفتی و تحولات تاریخی که بر آن تحمیل شده پذیرفت و در عین حال ادعاهای خودسرانه آن را به عنوان تنها علم شناخت نظام طبیعی رد کرد. باید به کشف و تدوین دوباره‌شناختی از طبیعت همت گماشت که به وجود

پدیده‌های طبیعی در رابطه آن‌ها با واجب الوجود، با جنبه‌های کثیف و لطیف آن‌ها، با پیوندهای درونی و وابستگی آن‌ها به بقیه بالاتر وجودی‌ای پیردازند که به منشأ الهی همه اشیا منتهی می‌شوند (همان، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴۳).

واقعیت این است که ریشه اصلی بحران را در زمان معاصر بایستی در نگاه و تفسیر بشر از محیط زیست طبیعی او جستجو کرد و به دیگر سخن مشکل اصلی در معرفت‌شناسی و جهان‌بینی آدمی است.

علم باوری افراطی و یا به تعبیر دیگر تکیه بر نگاه علم‌گرایانه خشک و جامد و فاقد هرگونه پشتوانه معنوی و تفسیر و تبیین جهان از فرهنگ جدید، جانشین «ایمان» و معبود بشر گذشته شده است.

علم جدید به صورت یک شیوه خاص از معرفت طبیعت نیست، بلکه یک فلسفه کامل و فراگیری است که همه واقعیات را به سطح مادی امور و پدیده‌ها تقلیل می‌دهد و تحت هیچ شرایطی مایل به پذیرش وجود دیدگاه‌های به اصطلاح فرا علمی نیست. در حالی که نظرگاه‌های دیگری که از دکترین‌های دینی به‌ویژه اسلام نشأت گرفته‌اند، ضمن آن که مشروعیت علم به عنوان امری محدود و محصور به بعد مادی واقعیات را انکار نمی‌کنند، انحصار واقعیات عالم به بعد مادی آن‌ها در علم جدید را موجب آن می‌داند که در اکثر مواقع عالمان، به‌خصوص عالمان مغرب زمین، از توجه به علل و اسباب درونی‌تر بحران زیست‌محیطی غفلت نمایند. طبیعت به عنوان جایگاه حیات و محیط زندگی انسان، سال‌هاست که در پی تمرکز انسان بر علم تجربی و حسی و غفلت وی از قانونمندی حاکم بر آن ناشی از بحران معنویت جامعه بشری دچار بحرانی جدی شده است. بحرانی که به شهرها سرایت نموده و حیات جامع و انسانی انسان را تهدید می‌کند، یکی از اصیل‌ترین راه‌های تقلیل بحران و اصلاح وضع موجود را توجه به مبانی معنوی در برخورد با طبیعت و عناصر طبیعی می‌داند. این توجه می‌تواند به عنوان مأخذ و مرجع بنیادین

شناسایی مبانی نظری و شناخت و اصول برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های زیستی و شهرها مورد استفاده قرار گیرد؛ به عبارت دیگر: تنها در سایه توجه به جمیع جهات مرتبط با حیات انسان و طبیعت و هماهنگی با عالم وجود است که می‌توان محیط و فضای زیست مناسب انسان را ساخت.

در طول تاریخ بشریت دو گونه جهان‌بینی به ظهور رسیده و فعالیت‌های جوامع را جهت داده است جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی (مطهری، ج ۱، ۱۳۵۷ش). این جهان‌بینی‌ها موجد دو تفکر و دو روش زیست و دو گونه مشی در زمین بوده‌اند که اجمالاً به آن‌ها تفکر دینی و تفکر غیردینی اطلاق می‌کنیم.

در رابطه با جهان خارج یا محیط زندگی انسان نیز همین تفکرات مؤثرند. محیط زندگی انسان متشکل از دو بخش اساسی است: یکی طبیعت و دیگری آنچه که انسان می‌سازد. جهان‌بینی‌های دینی و غیردینی، نگرش جداگانه و گاه متضادی بر این دو پدیده که دربرگیرنده و محمل زندگی و فعالیت‌های انسان هستند، داشته‌اند. به همین دلیل مبانی معرفت‌شناسانه و جهان‌بینی اسلامی از اهمیت اساسی برخوردار است.

#### ۱. اصل خداباوری و خدامحوری در آفرینش

علوم تجربی وحدت و انسجام طبیعت را نشان می‌دهند و در نتیجه ما را به آفریننده طبیعت می‌رسانند و این همان چیزی است که هدف ادیان به ویژه اسلام است؛ از این‌رو، دانشمندان مسلمان در عصر تمدن اسلامی هیچ جدایی واقعی بین علوم اسلامی و قرآنی با علوم طبیعی نمی‌دیدند و هدف هر دو را یکی می‌دانستند، زیرا آفریننده کتاب تکوین همان نازل‌کننده کتاب تشریح است.

در بینش اسلامی این اعتقاد وجود دارد که نظام طبیعت به حکم حکمت خداوند از مثل اعلای کل وجود در نظام الهی سرچشمه می‌گیرد، الگویی که به بیان قرآن

به قلم و لوح محفوظ تعبیر شده است. خداوند به وسیله قلم - که مظهر اصل خلاق آفرینش و حقیقت کلیه اشیا است - بر روی لوح محفوظ که تا ابد نزد خود اوست، آفرینش را نقش زد. در عین حال به برکت قدرت تکوین خداوند حقایقی که بر روی لوح محفوظ نگاشته شده بود، به عالم ادنی و به سطوح پایین تر وجود و در نهایت به عالم طبیعت نازل شد؛ بنابراین، نظام طبیعت از نظامی که بر قلمرو الهی حاکم است، منشأ دارد و منعکس کننده آن است. در قرآن نیز بر این نظریه تأکید شده است. بنا به فرموده قرآن هر چیزی براساس میزان و ملاکی خلق شده و به بیان دیگر هر شیء نزد خداوند میزانی دارد «و کل شیء عنده بمقدار» (رعد/۸). باید به خاطر داشت که واژه مقدار در زبان عربی از قدرت ریشه می گیرد، یعنی خداوند قادر میزان و مقدار همه موجودات آفرینش را تعیین کرده است. علاوه بر این قرآن کریم که از نظر عرفانی و معنای باطنی عین ثابت آفرینش، و ساختار آن متناسب با عالم محدث است، نخستین بار در لیلۃ القدر - یعنی شبی که مظهر قدرت الهی است - به پیامبر (ص) وحی شد.

بنابراین همان قدرتی که جهان طبیعت و قرآن را آفرید، منشاء نظم و هماهنگی و تعادلی است که در کل آفرینش مشاهده می شود. میزان اشیا و پدیده ها از قدرت او سرچشمه می گیرد که هرگز براساس هوی و هوس و یا یک مورد خاص قرار ندارد، بلکه به طرز جدا ناپذیری با منشأ و آفریننده نظام پیوند دارد؛ چرا که در دنیای اسما و صفات الهی در نهایت همه اسما یکی است. قدرت خداوند چیزی جز حکمت او نیست (نصر، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۳).

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «هیچ عبادتی به پایه تفکر در اسرار آفرینش الهی نمی رسد»؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲ش، ص ۵۴۳) چرا که این تفکر اساس معرفت الله و معرفت الله ریشه تمام عبادت ها و خودسازی هاست. این مسأله به عنوان یکی از امتیازات مهم «اسلام» است که خداشناسی را

براساس طبیعت، فطرت و عقل‌پیزی می‌کند و پی بردن به اسرار و نظام‌های موجودات این جهان را راه تحصیل ایمان معرفی می‌نماید.

در قرآن مجید، حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی وجود دارد. در این آیات خداوند متعال از پدیده‌های طبیعی به‌عنوان آیات الهی یاد می‌کند و بندگانش را به تفکر و نظر در آنها دعوت می‌کند (گلشنی، ۱۳۶۴ ش.). قرآن مجید با اصرار، انسان‌ها را به مطالعه موجودات به منظور شناخت خداوند تبارک و تعالی دعوت می‌کند.

خداوند متعال گاه انسان را به سیر «آفاقی» و «انفسی» به صورت کلی فرا می‌خواند، و گاه دست او را گرفته، به مطالعه یک یک پدیده‌های نظام‌یافته زمین و آسمان وادار می‌کند. آیات قرآن سخن از اسرار آفرینش و نشانه‌های خدا در عالم هستی می‌گویند، که مخاطبان آن گوناگون است (مطهری، ۱۳۷۲ ش.). در واقع مخاطبان حقایق جهان آفرینش، عالمان، اندیشمندان و خردمندان می‌باشند.

«این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌شنوند» (یونس / ۶۷).

«این‌ها نشانه‌هایی است برای آنان که تفکر می‌کنند» (رعد / ۳).

«این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که تعقل می‌کنند» (رعد / ۴).

«این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که بسیار شکیبا و شکر گزارند» (ابراهیم / ۵).

«این‌ها نشانه‌هایی است برای صاحبان مغز» (طه / ۵۴).

«این‌ها نشانه‌هایی است برای دانشمندان» (روم / ۲۲).

و سرانجام «این‌ها نشانه‌هایی است، آیا با چشم بصیرت نمی‌نگرید؟» (ذاریات / ۲۱).

یعنی آیات خدا در زمین و در درون وجود شما برای کسانی که چشم بینا دارند روشن است.

این تعبیرات به خوبی نشان می‌دهد که برای استفاده و بهره‌گیری از آیات بی‌شمار و نشانه‌های بسیار که برای وجود پاک او در سراسر عالم آفرینش وجود

دارد، زمینه آماده‌ای لازم است؛ چشمی بینا، گوش‌ی شنوا، فکری بیدار، و دلی هشیار و روحی آماده پذیرش و تشنه حقایق لازم است و گرنه ممکن است انسان سال‌ها در لابه‌لای این آیات زندگی کند، اما همچون حیوانات نشناسد (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۳۰۵).

هنگامی که آدمی در طبیعت معنای ژرف و شایسته احترام، ندید و آن را آیاتی از آیات خدا ندانست، از آن به گونه‌ای بهره‌برداری می‌کند که هماهنگی‌اش را به هم می‌پاشد و بحران زیست‌محیطی کنونی جهان را به وجود می‌آورد. اما در اسلام، با یاری عقلی که خداوند به آدمی اعطا کرده است، نه تنها وی می‌تواند درباره‌ی نظم الهی حاکم بر جهان تأمل و تدبر کند، بلکه خواهد توانست چنان با آن درآمیزد که هماهنگ و همراه با آن زندگی نماید. این نوع برخورد مستلزم انتخاب است و بنابراین انتخاب آدمی مسؤولیت او را به طرز جامع و متناسب با جایگاه مرکزی‌اش در جهان آفرینش مطرح می‌سازد.

متفکران دینی برای طبیعت، ارزش‌ها و مبانی معنوی قائل بوده‌اند تا جایی که عده‌ای به پرستش برخی عناصر آن می‌پرداختند که نوعی نگاه افراطی است.

جهان‌بینی اسلامی یکی از معتدل‌ترین و منطقی‌ترین نظریات در مورد طبیعت را ارائه کرده و ضمن آن که به آن ملکوتی نگریسته: «اولم ینظروا فی ملکوت السموات و الارض و ما خلق الله من شیء» (اعراف/ ۱۸۵ همچنین رجوع کنید به انعام/ ۷۵) و آن را موجودی هوشمند می‌شمارد: «تسبح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان شی الا یسبح بحمده و لکن لایفقهون تسبیحهم» (اسراء/ ۴۴). کلیت طبیعت را برای سعادت انسان آن‌گونه که خالقش تعریف می‌کند و نه آن سعادت کاذبی که امیال او به آن می‌خواندش، مسخر و مقرر داشته است، طبیعت از این دیدگاه مهد و گاهواره و محل آماده شدن و گذر انسان به سمت غایت حیاتش می‌باشد. نگرش و آموزه‌های اسلامی زمین را به‌عنوان مکان و وسیله زندگی «و



لقد مکنناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش...»؛ (اعراف / ۱۰) و همانا ما شما را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هرگونه نعمت مقرر کردیم، به عنوان محل اقامت و سکونت «و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین...» (بقره / ۳۶) و شما را در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ، به عنوان وسیله استراحت «الم نجعل الارض مهادا» (نبأ / ۶) آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم، به عنوان آسایشگاه عمومی «الذی جعل لکم الارض فراشا...» (بقره / ۲۲) آن خدایی که برای شما زمین را گسترده، و به عنوان نعمت الهی «والارض فرشناها فنعلم الماهدون» (ذاریات / ۴۷) و زمین را بگسترده و چه نیکو مهدی بگسترده، معرفی می‌نماید؛ بنابراین، اگر مکانی بخواد واجد این ویژگی‌ها گردد بایستی عاری از هرگونه فساد باشد.

از جانب دیگر، جهان بینی مادی، طبیعت را موجودی فاقد شعور می‌داند که هرگونه دخل و تصرفی در آن برای پاسخگویی به هر نیاز و میلی از انسان مجاز است. در واقع تلقی جاری انسان نسبت به طبیعت باید به سمت این سه مؤلفه هدایت شود: یکی این که طبیعت به عنوان بستر حیات انسان تلقی شود و به این ترتیب به سلامت و بقای آن و همچنین به اجتناب از فساد و تباهی در آن توجه جدی مبذول گردد. دیگر این که به طبیعت به عنوان آیات الهی نگریسته شود و مورد سوم این که طبیعت به عنوان الگویی برای فعالیت‌های انسان تلقی گردد.

## ۲. اصل حق‌مداری و هدفمندی آفرینش

از اصول برجسته جهان‌شناسی اسلامی آن است که جهان آفرینش برپایه حق آفریده شده است. در قرآن آیات متعددی از آن سخن گفته است:

«ما خلق الله السموات و الارض و ما بينهما الا بالحق و اجل مسمى» (روم / ۸)  
 خداوند آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی  
 معین نیافریده است.

حق دارای معنایی عمیق و گسترده است، یکی از تجلیات حقانیت خلقت جهان  
 آن است که جهان بر پایه قوانین و سنن الهی استوار است. در جهان‌بینی اسلامی، از  
 یک سو حاکمیت قوانین طبیعی و فراطبیعی بر پدیده‌های جهان مورد تأیید قرار  
 می‌گیرد و از سوی دیگر این قوانین همان سنت‌های الهی معرفی می‌شوند. حق  
 مداری جهان در مسأله هدفمندی عالم خلقت نیز تبلور می‌یابد.

عالم خلقت دارای هدف می‌باشد؛ به عبارت دیگر: در جهان‌بینی اسلامی کاروان  
 هستی دارای هدف و غایتی از پیش تعیین شده است. مفهوم «اجل مسمى» در آیه  
 قبل آن است که کاینات به سوی هدف و پایانه معلوم و معینی در حرکت است.

### ۳. اصل تسبیح عمومی موجودات جهان آفرینش

از نگاه جهان‌شناسی اسلامی، همه اجزای جهان خلقت و حتی پدیده‌های بی‌جان  
 عالم طبیعت، نوعی شعور باطنی نسبت به آفریدگار خویش دارند و بر پایه این  
 شعور، به تسبیح و تنزیه و سپاسگزاری او سر سپرده‌اند.

«یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض» (جمعه / ۱) یعنی آنچه در آسمان و  
 زمین است، تسبیح‌گوی خداوندند.

با توجه به تصریح آیه بالا، همه مخلوقات خداوند به ستایش او اشتغال دارند و از  
 آنجا که این افعال بدون داشتن شناخت قابل تصور نیست، آیه مورد نظر، از شعور  
 عمومی همه اجزای عالم نسبت به خداوند حکایت می‌کند.

کلمه تسبیح در اصل از کلمه سبّح، به معنای شناوری در آب، در خاک و یا در  
 هوا است.

چنانچه قرآن راجع به شناسایی ابرها در آسمان می‌فرماید:

«والسحابات سبحاً» و در مورد گردش زمین و پیدایش روز و حرکت خورشید و ماه می‌فرماید: «کل فی فلک یسبحون» همگی در مواردی شناورند. تسبیح از نظر اهل لغت و تفسیر منزّه ساختن خداوند از آن چه بد و ناشایست و عیب و نقص است، معنی می‌دهد. اجرام آسمانی و زمین و تمامی آن چه در آسمان‌هاست با شناوری در هوا و تلاش برای گردش دقیق و نظم خود به فرمان خدا، آفریننده و تربیت‌کننده خود را از هر عیب و نقص منزّه نشان می‌دهد.

در کشف‌الاسرار آمده است که این تسبیح یا به‌طور نطق و بیان و یا به‌طور برهان و آفرینش است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶ ش، ج ۴).

جالب این است که از نظر قرآن، تسبیح موجودات می‌تواند مورد درک و شعور و فهم انسان باشد.

«الم تر ان الله یسیح له من فی السموات والارض والطیر صفات کل قد علم صلاته و تسبیحه والله علیم بما یفعلون» (نور/ ۴۱) آیا نمی‌بینی هر کس در آسمان‌ها و زمین است و نیز پرندگان بال‌گشاده خداوند را تسبیح می‌کنند، هر یک نماز و نیایش را می‌داند و خداوند به آن چه می‌کنند دانا است.

از این‌که چرا در آیه فوق از میان تمام موجودات جهان روی تسبیح پرندگان، آن‌هم در حالی که بال‌های خود را بر فراز آسمان گسترده‌اند، تکیه شده؟ نکته‌ای وجود دارد و آن اینکه پرندگان علاوه بر تنوع فوق‌العاده زیادخویش، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که چشم و دل هر عاقلی را سوی خود جذب می‌کنند. پرندگان بر امواج هوا سوارند و بی‌آن‌که فشاری به خود آورند با سرعت به هر سو که مایل باشند، می‌چرخند و پیش می‌روند همچنین آگاهی‌های عجیب آن‌ها در مسائل هواشناسی و اطلاعات عمیقشان از وضع جغرافیایی زمین به هنگام مسافرت و مهاجرت از قاره‌ای به قاره‌ای دیگر حتی از مناطق قطب شمال به قطب جنوب و

دستگاه هدایت کننده مرموز و عجیبی که آنان را در این سفر طولانی، حتی به هنگامی که آسمان پوشیده از ابر است، راهنمایی می کند، از شگفت انگیزترین مسایل و از دلایل توحید است.

آیه فوق انتظار دارد، انسانها تسبیح و نیایش تمامی موجودات جهان و مرغان آسمان را درک کنند. از انسان سؤال می کند «آیا نمی بینی؟» بدین معنا که «باید ببینی».

در حکمت متعالیه هر موجودی به اندازه درجه وجودی اش از شعور برخوردار است، بنابراین تمامی موجودات طبیعی به اندازه حق خود شعور و آگاهی دارند «جميع الموجودات حتى الجمادات حیه عالمه ناطقه بالتسبیح، شاهده لوجود ربها عارفه بخالقها و... و الیه الاشاره بقوله و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم» (اسراء/ ۴۴) (ملاصدرا، ج ۶، فصل ۱۲). پس تمامی موجودات حتی جامدها گرچه ظاهراً زنده نیستند، ولی در حقیقت زنده و آگاه و گوینده تسبیح الهی اند، گواهی دهنده وجود پروردگار خویشند، آگاهی به خالق شان و... دارند.

نکته ای که ذکر آن در برترین درجه اهمیت قرار دارد آن است که طبیعت از دیدگاه تفکر اسلامی موجودی نیست که برای بقا و صلاح خویش صرفاً احتیاج به پشتیبانی و حفاظت و حمایت انسانها داشته باشد، بلکه موجودی با شعور و دارای قوه تدبیر و جایگاه فعل خداوند است.

اگر باد حرکت می کند به فرمان خدا است (اعراف/ ۵۷). و اگر باز می ایستد باز به فرمان خداوند است (شوری/ ۳۳).

اگر تند بوزد و طوفان شود و خراب کند یا آرام بوزد و نسیمی روح بخش آورد باز به فرمان خداوند است (حاقه/ ۶).

اگر ابر آبستن می شود و می بارد به فرمان خداوند است (حجر/ ۲۲). حتی اگر زمین آبستن می شود و نبات خویش را می رویاند به فرمان خداوند است

(اعراف/۵۷). حتی خورشید و ماه و ستارگان هر یک به فرمان الهی هر یک در گردشند و در روزی که او فرمان دهد از حرکت می‌ایستند (اعراف/ ۵۴) و باز اگر آسمان بر زمین نمی‌افتد و کیهان در نظام خویش استوار است، به فرمان خداوند است (حج/ ۶۵).

خداوند چگونگی گردش امور طبیعت را در هماهنگی با عمل انسان قرار داده است؛ پس این صلاح و فساد انسان است که ضرورتاً گردش امور طبیعت را رقم می‌زند (نصر، ص ۱۴۶).

#### ۴. اصل اعتقاد به حکیمانه بودن نظام آفرینش

جهان آفرینش و محیط زیست از مشیتی حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی براساس لطف و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها و عبث نبودن استوار است. این‌ها، بیانگر آن است که جهان، تک‌قطبی و تک‌محوری بوده، ماهیت «از اویی» و «به سوی اویی» دارد. موجودات جهان با «نظامی هماهنگ» به یک‌سو و به طرف خدا تکامل می‌یابند. آفرینش هیچ موجودی عبث و بیهوده و بی‌هدف نیست. جهان با یک سلسله نظامات، که «سنن الهی» نامیده می‌شود، اداره می‌گردد و اراده و مشیت الهی به صورت «سنت» یعنی به صورت قوانین و اصول کلی حاکم بر جهان جریان دارد.

محیط زیست ما، صرفاً بخش کوچکی از نظام خلقت را تشکیل می‌دهد. عرصه محیط زیست، نمایشگاه شگفت‌انگیز معمار بی‌نظیر هستی و عرصه خلاقیت و جلوه‌گری اوست که زیبایی و شگفتی در آن موج می‌زند و عالمان و اندیشمندان را حیران و شگفت‌زده کرده است.

رشته‌های گوناگون علوم طبیعی روشنگر گوشه‌هایی از نظامات و تشکیلات شگفت‌انگیز نظام خلقت در عرصه محیط زیست است و هر قدر مطالعات ما در

زمینه این مجموعه و عناصر آن عمیق‌تر و سطح دانش ما بالاتر می‌رود، به عمق این نظم و هماهنگی بیشتر پی می‌بریم.

در چشم‌انداز دانش‌های گوناگون در زمینه محیط زیست و عناصر تشکیل‌دهنده آن، دو مطلب برای ما به خوبی واضح و روشن می‌گردد:

یکی اینکه، محیط زیست و عناصر آن براساس یک نقشه علمی و حساب شده و اندازه‌گیری دقیقی آفریده شده است و بر هر ذره‌ای از ذرات آن یک سلسله قوانین حکومت می‌کند.

دیگر اینکه، نظم و تدبیر این مجموعه و عناصر آن، گواهی است بر این که خالقی توانا و سازنده‌ای دانا و طراحی چیره‌دست با محاسبات دقیق علمی، نقشه آن را طراحی کرده است و به آن هستی بخشیده است.

هر موجودی در عالم طبیعت نه تنها از اصل الهی یا خدای واحد صادر می‌شود، بلکه در عین حال حکمت الهی را منعکس می‌سازد و یا به تعبیر زبان توحید آواز نعمت خداوند را سر می‌دهد. ادراک دینی نظام طبیعت که تنها به شرط هماهنگی انسان با عالم روح میسر است، بشر را قادر می‌سازد که آثار تجلی خداوند را در چهره اشیا ببیند و صدای نیایش آنها را بشنود. از این طریق نه تنها پیوندی میان جسم انسان بلکه میان روح و روان او و مقصد غایی‌اش ایجاد می‌شود و بشر می‌تواند قداست و معنویت طبیعت را ببیند و در نتیجه نه تنها حرمت آن را حفظ کند، بلکه هم چون پاره‌ای از وجود خویش با آن رفتار کند. این پیوند به انسان یادآوری می‌کند که هر مخلوق خداوند چقدر گرانبهاست و منهدم کردن ظالمانه هر موجودی که به صرف وجود خود آیتی از خدا و شاهدهی است بر خداوند یکتایی که آغاز و فرجام ماست، چه گناه بزرگی است (نصر، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴۴).

### ۵. اصل اعتقاد به عدالت در نظام خلقت

فعالیت عناصر محیط زیست چنان به هم وابسته است که هر تغییر در وضع یکی موجب به هم خوردن تعادل نظام گردیده، فعالیت حیاتی و تبادل انرژی دچار مخاطره می‌شود. در یک نظام اکولوژیک هر عنصری، وظیفه‌ای و نقشی برعهده دارد. در عین حال که هر عنصری نقش مستقل دارد، ادامه کار و فعالیتش به کار و فعالیت سایر عناصر وابسته است. یعنی حیات آنها، سلامت حیاتی و بقای وجودش در گرو سلامت کار و ادامه حیات بقیه‌ی اعضا، یا اجتماعی است که به آن وابسته است و رابطه بین آنها، ضروری است. بررسی تعادل اکولوژیک یک نظام جاری در عرصه محیط زیست، حس شکرگزاری را در بشر تحریک می‌کند. بشر خود را جهانی کوچک و منظم می‌بیند. بررسی تعادل‌های اکولوژیک بیانگر آن است که هیچ چیز در عرصه محیط زیست بیهوده نیست و در آفرینش هر موجودی حکمتی وجود داشته است.

### ۶. اصل اعتقاد به وجود نظام تکوینی و تشریحی در محیط زیست

در عرصه‌ی طبیعت و محیط زیست یک نظام تکوینی و تشریحی وجود دارد که همچون «هدایت تکوینی عناصر محیط زیست، انسان جاننشین خدا در زمین، تسخیر عناصر محیط زیست به وسیله انسان و غیره» در راستای آن قابل تبیین است.

اسلام، تمام جنبه‌های انسان، محیط زیست و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی مورد توجه قرار داده، و بین آنها ارتباط ایجاد می‌کند. از این رو، اسلام محیط زیست را به صورت واحدی غیرقابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین آنان و محیط زیست و جهان هستی، جدایی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر دانسته است. بر این اساس، محیط زیست بخشی از نظام خلقت

است که موجودات ارگانیکی زمینی در آن حضور حیاتی داشته و در ارتباط متقابل با عوامل محیطی به حیات خویش ادامه می‌دهند، در جهان‌بینی الهی ارتباط متقابل موجودات حیاتی با عوامل محیطی براساس هدایت تکوینی و هدایت تشریحی از سوی خداوند تبیین شده است، غیر از ارتباط تکوینی بین انسان با محیط زیست ارتباط تشریحی وجود دارد که خداوند وظایفی را برای انسان مشخص نموده است.

#### ۷. اصل اعتقاد به خلیفه‌اللهی و حق تسخیر انسان در محیط زیست

جایگاه انسان در عالم و در هستی باید مورد شناختی عمیق قرار گیرد و این که چه ارتباطی با جهان آفرینش دارد، او موجودی بی‌ریشه نیست، او بخشی از حیات جاودانه و جزئی از کل هستی بی‌نهایت است، اگر این جایگاه خود را در عالم بداند و سپس به استفاده از طبیعت روی آورد، آن گاه استفاده او به معنای درست خواهد بود.

در ماجرای خلقت آدم، فرشتگان وقتی علم و آگاهی او را دیدند، قانع شدند و تصدیق کردند که چنین موجودی لایق خلافت الهی است و در مقابل او به عنوان خضوع سجده نمودند. این علم و آگاهی چگونه علمی می‌تواند باشد؟ آیا علمی که در قرون اخیر محیط زیست طبیعی را تخریب و زمین را به فساد و تباهی کشیده، می‌تواند مصداق علمی باشد که خداوند به ایشان آموخته است؟ البته خیر، علمی که خداوند به انسان آموخته علم مقدسی است که جهان را جلوه‌گاه خدا و آیینه ذات حق می‌بیند و بهترین تعبیر همان است که قرآن فرموده اسماء و صفات خود یعنی جهان را به او آموخت شناخت جهان، شناخت خداوند و تجاوز به جهان، تعدی و تجاوز به حق است (محقق داماد، ۱۳۸۰ش، ص ۵۰).



اسلام انسان را خلیفه خدا و مسؤول آبادانی آن می‌داند «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها...» (هود/ ۶۱) علامه طباطبایی (ره) با اشاره به تعریف راغب اصفهانی از ریشه لغت «و استعمرکم» در تفسیر مفهومی آیه می‌گوید: انسان مسؤول آباد ساختن زمین است (المیزان، ج ۱۰، ص ۴۶۱). به بیان دیگر انسان مسؤولیت دارد به گونه‌ای در زمین تغییراتی انجام دهد تا منافی را که زمین به خاطر آن آفریده شده به فعلیت درآورده و به ظهور و بروز برساند.

به عبارت دیگر ابعاد «انسان به عنوان جانشین خداوند» و «خداگونه» بسیار گسترده است. به همان ترتیبی که خداوند، عالم را به گونه‌ای هماهنگ حفظ و مراقبت می‌کند، او نیز هماهنگی جهان را حفظ نماید (نصر، ص ۲۲۲). او بایستی به عنوان خلیفه خداوند محیط طبیعت را که در آن نقش محوری دارد، پرورش داده و مراقبت نماید.

اینکه خداوند طبیعت را مسخر انسان قرار داده است، به معنی چیرگی و غلبه بدون قید و شرط او بر طبیعت نیست؛ بلکه در مرحله اول تسلط انسان بر طبیعت به دلیل مقام جانشینی خداوند است که به انسان عطا شده است. در مرحله دوم انسان تنها به شرط هماهنگی با قوانین الهی حاکم بر طبیعت مجاز به غلبه بر برخی چیزهاست (همان، ص ۲۲۱).

قرآن کریم در آیه ذیل، علت رام بودن طبیعت و موجودات طبیعی در برابر انسان را به روشنی بیان می‌دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم علی بعض لیبلوکم فیما اتیکم، ان ربک سریع العقاب و انه لغفور الرحیم» (انعام/ ۱۶۵).

همان‌طور که در آیات فوق گفته شد انسان نسبت به حرکات و اعمال خویش و دخالت‌هایش در طبیعت مسؤول است، در حقیقت طبیعت میدان آزمایشی است

که انسان در آن میدان نسبت به گزینش کارها و میل به خوبی‌ها و ارزش‌های انسانی یا زشتی‌ها و ضد ارزش‌ها آزمایش می‌شود.

انسان از دیدگاه قرآن آنقدر عظمت دارد که همه موجودات به فرمان خدا مسخر او گشته‌اند. این مسأله شخصیت و عظمت واقعی انسان را از دیدگاه اسلام و قرآن روشن می‌سازد و به او عظمتی بخشیده که مقام «خليفة اللهی» است.

آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه‌ی موجودات را به خدمت انسان درآورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته، تا از مواهب او بهره گیرد.

در فرهنگ قرآن «تسخیر» به دو معنی آمده است، یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن (مانند تسخیر خورشید) و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن (مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین)؛ بر این اساس تسخیر پدیده‌های آسمانی و زمینی برای انسان مفهوم وسیعی دارد. از یک سو، شامل اموری است که با میل و اراده‌اش در مسیر منافع خود به کار می‌گیرد و از سوی دیگر شامل اموری است که خداوند آن‌ها را مأمور ساخته تا به انسان خدمت نمایند.

در قرآن آمده است که: «خداوند آن چه را در آسمان‌ها و زمین است، همگی را مسخر شما ساخت» (جاثیه/۱۳).

برطبق آیات قرآن خلافت از سوی خدا برای انسان مقدر شده و معنایش این است که نوع بشر جانشین خدا در زمین است و می‌تواند انواع تصرفات را در زمین داشته باشد. بر این اساس به انسان که اشرف مخلوقات خداوند به حساب می‌آید، قدرت تسخیر بخشیده شده است، اما نه حق انجام هر کاری، خراب کردن و نابود ساختن؛ تنها زمانی می‌توانیم از بزرگی و کرامت آدمی سخن بگوییم که بپذیریم کریمان باید رفتار کریمانه داشته باشند.

## ۸. اصل اعتقاد به مسئولیت انسان در استفاده از محیط زیست

اسلام اساساً انسان را خلیفه الله می‌داند، اما این مخلوق، آزاد از هر مسئولیت نیست، بلکه بایستی افعال خویش را با بهره‌گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای تنظیم امور کائنات مقدر فرموده، به انجام برساند. به عبارت دیگر انسان به عنوان عالم صغیر از نظر جسمی و روحی، پاره‌ای از عالم کبیر است و در نتیجه لازم است از قوانین عالم هستی (طبیعت) پیروی کند. هماهنگی فعالیت‌های انسانی به نظام حاکم بر طبیعت و پدیده‌های آن عاملی اساسی بهتر زیستن است و او را از تخریب و فساد طبیعت باز خواهد داشت.

از مهم‌ترین وظایفی که در ضمن دستورات و بایدها و نبایدهای شرع برای مسلمانان مشخص شده اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین برحذر داشته و به اصلاح در آن - که همانا عمل صالح است - امر می‌فرماید از جمله: «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین» (اعراف / ۵۶) هرگز در زمین پس از آن که کار آن نظم و صلاح یافت، به فساد و تباهکاری برنخیزید و خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است.

بنابر آموزه‌های قرآنی می‌توان گفت: عامل رستگاری انسان «اصلاح» در زمین و اجتناب از «فساد» در آن است. عمران و آبادی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است. چرا که یکی از اهداف مترتب بر فعالیت‌های انسان در زمین، عمران و آبادی آن می‌باشد. چنانچه خداوند می‌فرماید: «او شما را از خاک آفرید و شما را به ساختن و آبادی زمین گمارد» (هود/۶۱).

از نظر اسلام همه طبیعت متعلق به همه انسان‌هاست، «و الارض وضعها للانام» (الرحمن / ۱۰): یعنی زمین را برای انسان‌ها آفریدیم یا در آیه‌ای دیگر، قرآن

می‌فرماید: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره/۲۹) همه آنچه که در زمین وجود دارد، برای شما انسان‌ها آفریده شده است. البته مراد از انسان‌ها، انسان‌های یک نسل یا مجموعه‌ی خاصی از انسان‌ها نیستند، بلکه همه انسان‌ها در همه نسل‌ها باید بدانند، امانتدارند و در ملکیت این موهبت و عطیه‌ی الهی که متعلق به همه‌ی نسل‌های بشری است، چون هزاران سال دیگر بشر در این کره‌ی خاکی زندگی خواهد کرد سهم‌اند. بنابراین همه باید این موهبت را امانتدارانه حفظ کنند.

آنچه نیاز به آن هر روز بیش از پیش مشخص می‌شود، اصلاح رابطه انسان با زمین است. یک راهکار برای تجدید توازن طبیعت، جستجو در جهان‌بینی‌هایی است که حاوی اندیشه متوازن و رابطه دوجانبه هستند.

نظام طبیعت در مجموع یک موجود زنده است که رابطه اجزای آن رابطه ارگانیکی است. هر نوع تغییری در کنش و واکنش سایر اجزا تأثیرگذار است. علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ المیزان می‌نویسد:

«به‌طور کلی همه اجزای عالم مانند اعضای یک بدن به یکدیگر متصل و مربوط است، به‌طوری که صحت و سقم و استقامت و انحراف یک عضو در صدور افعال از سایر اعضا تأثیر داشته و این تفاعل در خواص و آثار، در همه اجزا و اطراف آن جریان دارد و این اجزاء به‌طوری که قرآن بیان می‌کند، همه به سوی خدای سبحان و آن هدفی که خداوند برای آن‌ها مشخص نموده در حرکتند، انحراف و اختلال حرکت یک جزء از اجزای آن مخصوصاً اگر از اجزای برجسته باشد، در سایر اجزاء، به‌طور نمایان اثر سوء باقی می‌گذارد و در نتیجه، آثاری هم که سایر اجزای عالم در این جزء دارند فاسد شده، فسادى که از جزء مزبور در سایر اجزاء راه یافته بود به خودش برمی‌گردد، اگر جزء مزبور به خودی خود و یا به کمک دیگران استقامت قبلی خود را به‌دست آورد حالت رفاه قبل از انحرافش هم برمی‌گردد، ولی اگر به انحراف و اعوجاج خود ادامه دهد، فساد حال و محنت و

ابتلائی نیز ادامه خواهد یافت تا آنجا که انحراف و طغیان از حد بگذرد و کار سایر اجزا و اسباب مجاورش را به تباهی بکشاند، اینجاست که همه اسباب جهان علیه او قیام نموده و با قوایی که خداوند به منظور دفاع از حریم ذات و حفظ وجود شأن در آنها به ودیعه سپرده جزء مزبور را از بین برده و نابود می‌سازند» (طباطبائی، ج ۲) و در ادامه از آن به عنوان یک قانون عام نام می‌برد.

«این خود یکی از سنت‌هایی است که خدای تعالی در جمیع اجزای عالم جاری ساخته است، به طوری که این سنت تخلف‌بردار نبوده و از آنجایی که آنان نیز به عنوان یکی از اجزای عالم می‌باشد، او نیز از این سنت مستثنی نیست» (همان).

به همین دلیل، آیات قرآن بیانگر آن است که بین اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او ارتباط و پیوند نزدیکی وجود دارد. به طوری که اگر انسان بر اصول فطرت و قوانین آفرینش گام بردارد، برکات الهی شامل حال او می‌شود و هرگاه برخلاف قوانین آفرینش گام بردارد، نظام آراسته و صالح جاری به فساد می‌گراید و زندگی او را سخت و تباہ می‌سازد.

نکته اساسی - که توجه به آن در این جا کاملاً ضروری است - این است که اگر محیط زیست (که صرفاً بخشی از نظام خلقت و جزیی از آسمانها و زمین است)، بر محور هوی و هوس مردم بگردد، فساد سراسر آن را فرا خواهد گرفت و این مسأله برپایه همان چیزی است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«اگر حق از هوا و هوس آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و هر آن چه در آن است فاسد می‌شوند» (مؤمنون/۷۱).

آشکار است که علت حقیقی بروز عواقب وخیم در عرصه محیط زیست در این برهه از تاریخ، مسخر شدن بشر بر طبیعت نیست، بلکه عدم مالکیت بشر بر خویشتن و خودباختگی او در مقابل سودجویی‌ها، لذت‌گرایی‌ها، خودمحوری‌ها و ندانم کاری‌هاست (اصغری لنجانی، ۱۳۷۸ش، ص ۵۵ به بعد).

رابطه طبیعت و انسان در سعادت و رستگاری و هلاکت و فساد آن‌چنان به هم آمیخته که پاکدامنی و آلودگی آدمیان نسبت به خدا و اطاعت و معصیت آنان از اوامر الهی، تأثیر مستقیم در طبیعت دارد؛ بدین معنی که طبیعت به‌عنوان جزیی از تجلی گاه حق، با آدمیان پاکدامن و پارسا، مهربان و عطوف است و با انسان‌های آلوده و گناهکار روی در هم می‌پیچد و سرناسازگاری آغاز خواهد کرد. در قرآن مجید آمده است:

«و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» (اعراف/۹۶) اگر مردم ساکن زمین مؤمن و باتقوا باشند، برکت‌های آسمان و زمین را به روی آنان گشوده خواهیم نمود.

در آیه‌ای دیگر از قول نوح (ع) به گناهکاران می‌گوید: از گناه خویش توبه کنید تا خداوند باران بر شما بیارد.

«استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدراراً»: (نوح/ ۱۰-۱۱) به درگاه خداوند توبه کنید خداوند شما را می‌بخشد و آسمان بر شما می‌بارد.

در احادیث پیشوایان دینی خشم طبیعت همان خشم خداوند نسبت به افعال و کردار آدمیان شناخته شده است. در حدیث آمده است: «اذا کذب الولاه حبس المطر»: (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۳ و ص ۱۴) وقتی فرمانروایان به مردم دروغ بگویند باران نمی‌بارد.

رابطه طبیعت و انسان در سعادت و رستگاری و هلاکت و فساد آن‌چنان به هم آمیخته که پاکدامنی و آلودگی آدمیان نسبت به خدا و اطاعت و معصیت آنان از اوامر الهی، تأثیر مستقیم در طبیعت دارد.

«ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما با نفسهم و ان الله سمیع علیم» (انفال/ ۵۳).

این آیه درباره نعمت‌های خداست که ابتدایی است: «کل نعمک ابتداء» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۲) و هرگز انسان از خدا طلب ندارد. طبق این آیه، سنت الهی بر آن است که هرگز نعمت فرد یا گروه را تغییر ندهد، مگر خودشان تغییر روش دهند و خود را از آن نعمت محروم سازند. در خور تأمل است که در این آیه سخن از گرفتن نعمت نیست، بلکه بحث تغییر و تبدیل نعمت است. راز وابستگی تغییر نعمت به تغییر نفس، آن است که نفسانیات انسان با حوادثی خارجی رابطه‌ای مستقیم دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۹). مبانی معرفت‌شناسی اسلامی به‌ویژه خداشناسی و انسان‌شناسی موجب نگرشی نو و رفتاری مسؤولانه در رابطه با محیط زیست می‌گردد.

## نتیجه

بحران ارتباط انسان و طبیعت در مغرب زمین بر اساس دو تلقی نادرست به وجود آمد، یکی عدم شناخت عمیق انسان و دیگری عدم شناخت واقعیت قدسی طبیعت. بنابراین از رنسانس به بعد انسان خود را و طبیعت را صرفاً موجودی مادی و زمینی دید که هیچ مسؤولیتی در مقابل خداوند و طبیعت ندارد. انسان مؤمن که طبیعت را تجلی خداوند می‌داند و نظم طبیعت را ناشی از ناظمی الهی می‌بیند، رفتاری احترام‌آمیز همراه با روحیه‌ای تحسین و تشکر نسبت به طبیعت و خالق آن در پیش می‌گیرد؛ ولی انسانی که طبیعت را دارای ماهیتی مادی می‌داند، دلیلی ندارد که برای استفاده از آن محدودیتی قائل شود. سکولار شدن جوامع معاصر، نه تنها موجب تولید علوم سکولاری شده است، بلکه دین را به حاشیه رانده است و آن را در حوزه آخرت و معنویت فردی محدود نموده است و جنبه دنیاگرایانه دین را که در مؤلفه شریعت آن نمود دارد، در زندگی دنیوی و اجتماعی او کم‌رنگ‌تر گردانیده است. جهان‌بینی اسلامی یکی از معتدل‌ترین و منطقی‌ترین نظریات در مورد طبیعت را ارائه کرده و ضمن آن که به آن ملکوتی نگریسته و آن را موجودی هوشمند و تسبیح‌گوی حق می‌شمارد، انسان را مسؤول محیط زیست می‌داند.



## فهرست منابع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه.

- اصغری لفجانی، صادق - (۱۳۷۸ش.)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ  
 براون، لستر و کین، هال - (۱۳۷۴ش.)، ارزیابی مجدد ظرفیت نگهداشت جمعیتی کره زمین، ترجمه  
 حمید طراوتی و فرزانه بهار، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد  
 بی آزار شیرازی، عبدالکریم - (۱۳۷۶)، قرآن در ادب فارسی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی  
 پاپلی یزدی، محمد حسین - (۱۳۷۴ش.)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۳۶ مقاله اهمیت مساله  
 محیط زیست، تهران  
 جوادی آملی، عبدالله - (۱۳۸۶ش.)، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء  
 شکوهی، حسین - (۱۳۷۲ش.)، فصلنامه تحقیقات جغرافیا، شماره ۳۰ مقاله جغرافیا و مذهب، تهران  
 طباطبایی، محمدحسین - (بی تا)، میزان، قم: جامعه المدرسین  
 گلشنی، مهدی - (۱۳۶۴ش.)، قرآن و علوم طبیعت، تهران: امیرکبیر  
 متین، ابوالقاسم - نشریه پژوهش و سازندگی از جهادسازندگی، شماره ۱۳، مقاله تهدید جهانی زیست کره  
 مجلسی، محمد باقر - (۱۴۱۳ق.)، بحار الانوار، بیروت: دارالاضواء  
 محقق داماد، سیدمصطفی - (۱۳۸۰ش.)، مجموعه مقالات همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ  
 محمدی ری شهری، محمد - (۱۳۶۲ش.)، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی  
 مطهری، مرتضی - (۱۳۷۲ش.)، مجموعه آثار، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا  
 مطهری، مرتضی - (۱۳۵۷ش.)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۱، قم: صدرا  
 مکارم شیرازی، ناصر - (۱۳۷۲ش.)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه  
 ملاصدرا - (۱۳۸۶ق.)، اسفار اربعه، قم: انتشارات مصطفوی  
 نصر، سیدحسین - (۱۳۷۷ش.)، انسان و طبیعت، ترجمه احمدرضا جلیلی، نقد و نظر، سال ۴، ش ۳ و ۴  
 نصر، سیدحسین - (۱۳۸۶ش.)، دین و نظام طبیعت، ترجمه دکتر فغفوری، تهران: حکمت  
 نصر، سیدحسین - (۱۳۷۷-۸ش.)، دین و بحران زیست محیطی، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مجله نقد و  
 نظر، ش ۲ و ۱، سال ۵  
 نصر - (۱۳۷۹ش.)، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میانداری، قم: موسسه فرهنگی طه  
 نوروزی، غلامرضا - (۱۳۷۷ش.)، توسعه پایدار، جامعه روستایی ایران و آبخیزداری، مجله جنگل و مرتع،  
 ش ۳۸  
 یخکشی، علی - (۱۳۸۱ش.)، شناخت، حفاظت و بهسازی محیط زیست ایران، تهران: مؤسسه آموزش  
 عالی علمی - کاربردی جهاد کشاورزی

۱۹۲ / فصلنامه اخلاق زیستی

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰

یادداشت شناسه مؤلف

حمید فغفور مغربی؛ عضو هیأت علمی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه. (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیک: hamid.maghrebi@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱